

فرمود که ابو بکر آن شخص را با میرالمؤمنین علی رضی الله عنه باز  
گفت فرمود که باز کرد و پرسید که بعد از ابو بکر که عطا خواهد داد  
رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که عمر بن الخطاب با ردیکه المیرالمؤمنین  
علی رضی الله عنه فرمود که پرسید که بعد از عمر که عطا خواهد داد رسول  
صلی الله علیه و سلم فرمود که عثمان بن علی رضی الله عنه چون آنرا شنید  
خاموش شد و از آنجا که از ابی جده شمشیر بدمینا آورد  
تا بنزد رسول صلی الله علیه و سلم آنها را از وی بنسیب خرید و ولایتی  
در میان کرد امیرالمؤمنین علی رضی الله عنه از آن اعرابی پرسید که  
خود را چه کردی گفت بر رسول صلی الله علیه و سلم فروخته بهمالتی امیر  
المؤمنین علی رضی الله عنه گفت اگر رسول را صلی الله علیه و سلم حادثه  
واقع شود بهای ششترهای ترا که خواهد داد اعرابی گفت نمی دانم  
بروم و پریم پیش رسول صلی الله علیه و سلم رفت و پرسید فرمود که  
ادایه ای تو و قضای دین من و وفا بوعده های من ابو بکر خواهد کرد  
پس اعرابی آنرا با علی رضی الله عنه بگفت فرمود که اگر ابو بکر را حادثه  
افتد مال ترا که ادالگت آنرا پرسیدم بروم و پریم پس رفت و  
پرسید رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که اگر حادثه افتد ابو بکر را  
حادثه افتد عرقایم مقام من خواهد بود و قضای دین من خواهد کرد  
و بوعده های من وفا خواهد نمود بعد از آن اعرابی با علی رضی الله  
عنه ملاقات کرد و آنرا باز گفت علی رضی الله عنه گفت که غیر حادثه افتد چه

خوای

خوای کرد اعرابی پیش رسول صلی الله علیه و سلم رفت و از آن سوال کرد  
فرمود که وقتی که ما حادثه افتد و همچنین ابو بکر و عمر را هلاکت با دست  
و از آن جمله آنست که انس بن مالک رضی الله عنه گفته است که رسول  
صلی الله علیه و سلم در حایط بودیم در رسته ناکاه آینه آمد و در را بگفت  
رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که ای انس به بین گزیت بیرون رنتم  
ابو بکر بود بار رسول صلی الله علیه و سلم گفت از برای وی در بکشی ویرا  
بهشت بشارت ده و بگوی که بعد از من خلیفه خواهد بود بعد از آن  
دیگری در را بگفت رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که ای انس به بین که  
گزیت بیرون رنتم بود بار رسول صلی الله علیه و سلم آنتم فرمود که دیگر  
و به بشتنش بشارت ده و بگوی که بعد از ابو بکر خلیفه تو خواهی بود  
بعد از آن دیگری در بگفت رسول صلی الله علیه و سلم فرمود که ای انس  
به بین گزیت بیرون رنتم عثمان بود بار رسول صلی الله علیه و سلم گفتم  
فرمود که در بکشی و بشارت ده او را بهشت و بگوی که بعد از  
عمر خلیفه تو خواهی بود پس فرمود که کاروی بجای برسد که ویرا  
بکشند بروی با که هر کند و از آنجا آنست که سفینه رضی الله عنه  
گفته است که چون رسول صلی الله علیه و سلم مسجد نبوی کرد گشتی نهاد  
پس ابو بکر را گفت سگ خود را بپهلوی سنگ من نه بعد از آن عمر را  
گفت سگ خود را بپهلوی سنگ من ابو بکر بند پس فرمود که اینها خلفای  
بعد از من و از آنجا آنست که چون روز صیحه بر سر سخت

وی